

مینه بکتاش، خبرنگار و گوینده.

آخرین جام



سال دوم
شماره ۵۷
دوشنبه
۲۳ میزان ۱۳۹۷
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
October 15 2018
Vol. 2
No. 57



این جا، چراغی روشن است

از نوشتن می‌ترسم در این روزگار
که همه اهل معامله شده‌اند، از
روشن فکر تا سیاست مدار. راستی
چقدر گرفته‌ای تا سکوت کنی؟
حسین پناهی

روی‌کرد نیم‌رخ

انتخابات و سرنوشت سیاسی زنان

پارلمان در نظام‌های جمهوری-دموکراتیک یکی از سه قوه‌ی تشکیل دهنده دولت است و انتخابات در این گونه نظام‌ها به مثابه‌ی اصل مشروعیت بخش و یک پروسه بزرگ سیاسی به شمار می‌رود. اکنون مردم افغانستان در آستانه‌ی برگزاری انتخابات پارلمانی قرار دارد و یک هفته دیگر انتخابات دوره‌ی هفدهم پارلمان کشور برگزار می‌شود. این یک امر مسلم است که پیامد انتخابات همواره بر سرنوشت مردم تاثیر مستقیم دارد. با تشکیل پارلمان کارا و دولت موفق، آینده‌ی بهتری به سراغ ملت خواهد آمد؛ اما عکس آن مصداق وضعیت ناهنجار و شکننده (از لحاظ سیاسی-امنیتی-اقتصادی) فعلی است. با این وجود، نقش زنان در انتخابات افغانستان هم بر سرنوشت مشروعیت و موفقیت پروسه موثر است و هم بر سرنوشت سیاسی خود زنان تاثیر گذار می‌باشد.

در کارزار انتخاباتی دوره‌ی هفدهم پارلمان کشور، زنان زیادی برای احراز کرسی‌های مجلس از سراسر کشور به میدان مبارزه‌های انتخاباتی آمده‌اند. این مبارزه هر چند سخت و مشقت‌بار می‌نماید، اما زنان برای تعیین سرنوشت سیاسی شان و کسب حق و سهم خود در اداره‌های دولتی باید متحمل هر وضعیت خواسته و نخواسته‌ای باشند. در نخست، باید از اهمیت و ضرورت انتخابات و نقش زنان در این پروسه برای آنان آگاهی دهی می‌شد، ولی این روند آن گونه که باید اجرا نشد و در بسیاری از مناطق و روستاهای کشور به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و مسایل امنیتی، ادامه در صفحه ۳...

زنان قبل از هر چیز نیاز به امنیت دارند

زنان اصلی‌ترین قربانیان جنگ هستند که با کشته شدن مردان خانواده از تمامی فرصت‌ها و امکانات زنده‌گی محروم می‌شوند.

صفحه ۳

13

صفحه

683

شماره انتخاباتی



نشان انتخاباتی



ذوالفقار امید

خواسته ام؛ آدرسی شما باشم



آخرین جام

تازه به این باور رسیده بود که می تواند زنده گی قشنگی را آغاز کند، اما...

سرگذشت فاطمه روشنیا

ثریا در یک خانواده‌ی ۵ نفری در قریه‌ای کوچک زنده گی می‌کرد. وی در سن ۱۳ ساله گی پدرش را در اثر جنگ‌های داخلی از دست داده بود. او همراه مادر، دو برادر و خواهر کوچک‌تر از خودش که تمام ارزش‌های زنده گی وی را معنا می‌کرد، می‌زیست. ثریا دختر زحمت‌کش و توانایی بود. او سواد خواندن و نوشتن را نداشت زیرا کاکایش به وی اجازه نداد که شامل مکتب شود، چون معلم که در قشلاق دورتر از خانه‌ی آن‌ها تدریس می‌کرد مرد بود. غیرت افغانی کاکای ثریا و حرف‌های مردم منطقه، وی را اجازه نداد که شامل مکتب شده و به یگانه آرزویش که همانا نوشتن و خواندن بود برسد. ثریا با وجود این که کاکای متعصب و سخت‌گیر داشت باز هم همیشه در تلاش این بود که چیزی یاد بگیرد.

زنده گی در شهر برای او جالب بود. شوهر ثریا مرد مهربان و متین، زنده گی خوبی را برای ثریا فراهم کرده بود. ثریا فکر می‌کرد که روزهای بدبختی او به پایان رسیده است، اما یک باره همه چیز بر عکس تصورات وی شد. مدت این خوش‌بختی خیلی کوتاه بود و با یک چشم به هم زدن گذشت و شهر بزرگ نیمروز برایش تنگ‌تر از قشلاق بین دو کوه شده بود. او در یک شب زمستانی و سرد، بی‌صبرانه منتظر رسیدن شوهرش بود، اما این بی‌قراری وی مثل سرمای زمستان در دلش یخ بست. زیرا شوهرش را دوستان رجب و خسورش، گروگان گرفته بودند.

بعد از مرگ پدر، سرنوشت ثریا، مادر، خواهر کوچک و دو برادرش به دست کاکایش رقم خورد. از این جا بود که روزهای دشوار و سخت ثریا آغاز شد. ثریا بعد از شنیدن مرگ پدر، که یگانه حامی و پشتیبان وی بود، نهایت متاثر و افسرده گردید. از مرگ پدر ثریا، هنوز یک سال نگذشته بود که کاکایش مادر وی را به زور و تهدید به عقد خویش در آورد. در قشلاق کوچک که در بین دو کوه موقعیت داشت نفس در سینه‌ی ثریا حبس می‌شد. او هیچ راه چاره‌ی نداشت. هنوز از این زنده گی رقت بار وی ۲ سال نگذشته بود که یک روز ناگهان، صدای فیر گلوله به گوشش رسید. ثریا که مصروف بختن نان در تندور (تنور) خانه بود، با عجله و حالت پریشان، طرف پنجره‌ی خانه دوید. دید که پدر اندر یا همان کاکایش، تفنگ در دست دارد و کبکی را شکار نموده است. ثریا دلش جمع شد، اما او از این حرکت کاکایش نهایت متعجب و حیران شده بود. دلش گواهی خبرهای بد را به وی بشارت می‌داد. زنده گی مشقت بار زیر سلطه‌ی کاکا، هر روز بیش‌تر از پیش برایش، خسته کننده و دل‌گیر می‌شد. ثریا از این وضع ناهنجار هر روز به مادرش شکایت می‌کرد. ولی مادرش به خاطر تنگ‌زمانه، حرف‌های مردم قشلاق و تاملین نفقه‌ی فرزندان صدای خود را نمی‌کشید. وی تن داده بود به ظلم و سستی که کاکای ثریا بر وی روا می‌داشت. این زنده گی طاق مادر ثریا را نیز طاق کرده بود، ولی توان مبارزه با آن را نداشت.

روزی از روزها، مادر ثریا بر اثر فشار بلند خون، داعی اجل را لبیک گفته و به دیار ابدی پیوست. ثریا ماند و دنیایی از ناامیدی با خواهر و دو برادرش که هنوز به درستی حرف زده نمی‌توانستند. تازه روز چهلم مادرش بود که کاکایش به ثریا گفت: پسر یکی از دوستانش از او خواستگاری کرده است. ثریا تا خواست جواب بدهد، کاکایش با تهدید برایش

گفت: مالک تو من هستم، تو حق هیچ گونه اعتراضی را نداری. ثریا که هنوز اشک نبودن مادرش بر گونه‌هایش جاری بود، با اجبار تن به این خواسته‌ی کاکایش داد. کاکای ثریا رجب نام داشت،



پیشه‌ی وی عبور دادن مهاجرین افغانی به صورت قاچاق در کشور ایران بود. رجب ثریا را به دلیل این که قرض دار شریکش بود به پسر وی داد. ثریا با تمام خاطرات خوب و بدی که از قریه‌اش داشت با آن‌جا خداحافظی نموده، با پسر شریک کاکایش راهی ولایت نیمروز شد. ثریا این اتفاق را به فال نیک گرفته و یک فصل جدید را در صفحه‌ی خاطرات زنده گی‌اش ورق زد. روزهای اول زنده گی مشترک ثریا در نیمروز به خوبی می‌گذشت و هر روز زنده گی برایش در کنار مردی که در عمر ندیده بود جالب‌تر می‌شد.

زنده گی در شهر برای او جالب بود. شوهر ثریا مرد مهربان و متین، زنده گی خوبی را برای ثریا فراهم کرده بود. ثریا فکر می‌کرد که روزهای بدبختی او به پایان رسیده است، اما یک باره همه چیز بر عکس تصورات وی شد.

مدت این خوش‌بختی خیلی کوتاه بود و با یک چشم به هم زدن گذشت و شهر بزرگ نیمروز برایش تنگ‌تر از قشلاق بین دو کوه شده بود. او در یک شب زمستانی و سرد، بی‌صبرانه منتظر رسیدن شوهرش بود، اما این بی‌قراری وی مثل سرمای زمستان در دلش یخ بست. زیرا شوهرش را دوستان رجب و خسورش، گروگان گرفته بودند.

دروازه‌ی حویلی تک تک شد و ثریا مانند گنجشکی به طرف دروازه دوید. زمانی که دروازه را گشود بر عکس انتظارش، چند نفر از آشنایان کاکایش را دید. آن‌ها به دلیل دشمنی که با رجب داشت به تجاوز کردند و این گونه مهر بدنامی را بر پیشانه وی زدند. این اتفاق تلخ‌تر از مرگ والدین، جدایی از خواهر و دو برادرش بود. ثریا که دیگر طاقت دیدن به چشمان شوهرش را نداشت، دست به خودکشی زد و با نوشیدن زهر به زنده گی‌اش پایان داد.

این داستان هزاران بانویی است که در این سرزمین زنده گی می‌کنند. این داستان ادامه خواهد داشت، چون هیچ راه بیرون رفت از این مسئله در نظر گرفته نمی‌شود و همه آن را به عنوان یک روند عادی زنده گی در افغانستان پذیرفته‌اند.

جدیگسو

کریمه شبرنگ

درخت نیستم که

ایستاده برایت پیرشوم

فکر نکن برای تو زنده ام

نه، هرگز

گم شده‌ام وسط آغوش دیوانه‌ترین مردی

که هنوز ندیده‌ام

درست مثل خودت

که گم شده‌ای لای سطرهای این شعر

و همه شعرهای بعد از اینم

شعرهای که هر شبه برایت باکره‌اند

درخت نیستم که

خشمت را با ریختن برگ‌هایم فروکش کنی

من آدمم، زخم

لبی، بوسی، آغوشی با من قسمت کن

از کجای این سرگردانی سر بر آورده‌ام؟

خدای من!

هنوز نمی‌خواهی پاسخ‌ام را بگویی؟

بگذار چیزی نگوید

حالا که عادت کرده‌ام

به سکوت سنگین میان بازوانت رفیق!

من خیلی خوبم

این را وقتی دانستم که به فراموشی‌ات

عادت کرده بودم

حالا به نوازش لطیف نگاه تو عادت

کرده‌ام

ای رفیق!

درخت نیستم که

ایستاده برایت پیرشوم

مردی مرا کشت و باز دعا می‌خواند تا دوباره زنده شوم

متن سخنرانی نادیه مراد (برنده جایزه صلح نوبل)

آن‌ها آمدند، آرزوهای من را کشتند، آن‌ها من را غنیمت صدا می‌زدند! آن زمان دیگر نادیا نبودم، آن روز دختری بودم با روحی زخمی که از نفس‌هایم خون می‌چکید، آن روز هیولای ظریفی بودم که با جهان قطع رابطه کرده بودم، در من انسان مرده بود و لاشه‌ای بودم که حتی مومیایی هزار ساله‌اش ارزش نداشت، آن روز مرگی بودم در روحی!

بعد از آن زنی می‌مرد، زنی حامله می‌شد، زنی خودکشی می‌کرد، زنی خودسوزی... زنی هزار رکعت نماز جبر می‌خواند! بعد از آن زنانی، از رنج حامله شده بودند، زنانی فقط یک تقویم می‌شناختند: روز اول تجاوز، روزهای بعد از آن عذاب!

بعد از آن، تاریخ به دو دوره تقسیم شد: قبل از فاجعه‌ی سیاه - بعد از فاجعه‌ی سیاه! بعد از آن

زنان فقط یک خیابان را سر راست بلد بودند، خیابان منتهی به بیمارستان بیماران روانی!

بعد از آن زنان فقط یک آواز می‌خواندند: «ای مرگ کجایی؟ زنده گی مرا کشت». بعد از آن زنان تابوت بودند و کودکان در شکم‌شان مرده‌گان هزار ساله! بعد از آن زنان مجسمه‌ای بودند که وسط شهر برای عبرت تاریخ نصب شده بودند!

آن روز هوا گرم بود، خدا شاهد بود، مردی آمد، مرا کشت و باز دعا می‌خواند تا دوباره زنده شوم!



نام‌شان داعش بود، آمده بودند ما را به جهنم ببرند و خودشان سر راه به بهشت بروند! دعوت‌نامه‌شان در دست چپ‌شان بود و با انگشت شهادتین دست راست، آسمان را نشان می‌دادند. مادرم برای سکس شرعی بسیار پیر بود و طعم حوریان بهشتی را نمی‌داد، او را کشتند، خواهر کوچکم را هم چون بره‌ای تازه نگه داشتند. او باکره بود! هم چون مریم، کمی معصوم‌تر، کمی کوردتر، هم چون آب زلال! خواهرم باید زن امیرالاکبر می‌شد!

خدا شاهد بود، ما تفنگ نداشتیم، سرود «خواه‌یوه‌ته‌ن» می‌خواندیم! خدا شاهد بود ما گلدان‌ها را آب می‌دادیم، گل‌ها را گل می‌دادیم! خدا شاهد بود آمدند پدرم

را به دو قسمت نامساوی تقسیم کردند؛ سرش را برای وطن جا گذاشتند و بدنش را زیر خاک دفن کردند که نفت شود! خدا شاهد بود برادر کوچکم را لخت زیر آفتاب نگه داشتند و به او شهادتین یاد می‌دادند؛ باید می‌گفت الله بزرگ‌تر است! خدا شاهد بود او از فرط عطش و بی‌آبی جان داد! خدا شاهد بود سیاه بودند، مردانی از سرزمین حجر و آتش و ما زبان‌شان را نمی‌فهمیدیم، اما رفتارشان را! مردانی با ریش‌های بلند، مغزهای کوتاه، باورهای سخت! نام‌شان عقرب، ملخ، سوسمار بود! لشکری از لجن و پشم و اعتقاد!



گفت و گو

کهنه حسین احمدی



گفت و گو با ذکریه وردک، فعال اجتماعی و نامزد انتخابات پارلمانی از ولایت کابل

خانم وردک، «هفته‌نامه نیمرخ» بازتاب‌دهنده توانایی‌ها، چالش‌های زنده‌گی و صدای زنان است. نیمرخ با کسانی که در حمایت از زنان کار کرده‌اند، گفت‌وگو می‌کند تا آسیب‌ها و راه‌کارهایی را شناسایی کند که زنان نیازمند آن است. ابتدا در مورد چگونه‌گی و آغاز فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی تان در عرصه زنان بگویید

در ابتدا تشکر از حضور تان و افتخار دارم که با هفته‌نامه نیمرخ مصاحبه می‌کنم. من از دانشگاه پولی تخنیک دانشگاه کابل فارغ‌شدم و از رشته

مهندسی، ماستری دارم. فعالیت‌های من در عرصه زنان با ایجاد انجمن انجیران زنان افغانستان رقم خورد. به حیث بنیان‌گذار و رییس این انجمن کار کردم و برای شصت تن از بانوان بورس‌های تحصیلی خارج از کشور و برای تعدادی هم زمینه‌انترشیپ در وزارت‌خانه‌ها فراهم کردیم. در راستای حمایت از فعالیت اقتصادی زنان، آن‌عده از بانوان را که شرکت‌های خصوصی و تجارتي داشتند در قسمت اخذ پروژه‌ها هماهنگی کردیم تا منابع درآمد مستقل داشته باشند.

سال گذشته من به حیث رییس جامعه مدنی افغانستان انتخاب شدم، در جریان هم‌کاری با جامعه مدنی افغانستان، چهل و شش زن آسیب‌دیده از جنگ را که مردان خانواده‌ی شان را از دست داده بودند و یا وضعیت ناگواری داشتند، به ارگ ریاست جمهوری و نزد بانوی اول (رولا غنی، همسر رییس‌جمهور

غنی) بردیم تا برای زنان آسیب‌دیده از جنگ که همسر و یا فرزند شان را از دست داده‌اند، رسیدگی شود.

امسال، من به قندهار و پکتیا سفر کردم و زنان آن مناطق را از نزدیک دیدم. وضعیت زنان در شفاخانه، مکتب، ریاست امور زنان و اداره‌های کاری آن ولایت‌ها را بررسی کردیم که زنان چه می‌کنند و با آنان چگونه برخورد می‌شود تا بتوانیم آسیب‌های موجود را بشناسیم و برای بهبود وضعیت آنان کار کنیم.

از این دیدارها و بررسی‌های تان چه دریافته‌اید؛ در کدام بخش از امور زنده‌گی زنان باید بیش‌تر توجه شود؟

آن‌چه در متن جامعه افغانستان، به ویژه ولایت‌های نامن به عنوان چالش‌های اصلی زنده‌گی زنان به شمار می‌رود، مسایل امنیتی و وضعیت معارف است. زنان قبل از همه نیاز به امنیت دارند. زنان، اصلی‌ترین قربانیان جنگ هستند که با کشته شدن مردان خانواده از تمامی فرصت‌ها و امکانات زنده‌گی محروم می‌شوند. زنان در این سرزمین جنگ؛ همسر، پدر، فرزند و برادر خود را از دست می‌دهند. مردان در افغانستان کسانی هستند که در خانه نان می‌آورند و سرپرست فامیل هستند؛ وقتی مردی کشته می‌شود، زن مجبور به تامین معیشت خانواده است. این‌جا اهمیت تعلیم و تربیه درک می‌شود که زنان بی‌سواد برای تامین خرج زنده‌گی شان با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شوند؛ اما در ولایت‌های افغانستان هنوز هم کیفیت معارف بسیار پایین است، آموزشگاه‌های آماده‌گی کانسکور وجود ندارد و دانشگاه خوبی هم نیست تا زنان برای تحصیل به رفتن در دیگر ولایت‌ها مجبور نشوند.

شما خود تان متن جامعه را بررسی کردید. امروز

زنان قبل از هر چیز نیاز به امنیت دارند

زنان اصلی‌ترین قربانیان جنگ هستند که با کشته شدن مردان خانواده از تمامی فرصت‌ها و امکانات زنده‌گی محروم می‌شوند.

در بیش‌تر جاهای افغانستان داشتن دانشگاه، آموزشگاه و مراکز ارتقای ظرفیت و داشتن منابع مالی مطمئن اساسی‌ترین ضرورت‌های زنان به حساب می‌آید. به نظر شما مسوولیت اساسی بر آوردن این نیازمندی‌ها بیش‌تر به چه کسی / کدام نهادی برمی‌گردد؛ حکومت، سکتورهای خصوصی و یا نهادهای حامی زنان؟

برای ارایه این خدمات همه مکلف هستند. هر سه گزینه که یادآوری کردید، باید کار بکنند. از یاد نبریم که در جامعه افغانستان ابتدا باید جامعه پذیرد که زنان به مکتب، دانشگاه و محل کار راه یابند. بنابراین، به تبلیغ نیاز است. اگر در مورد



من و هر زن دیگری که وارد پارلمان می‌شویم، باید برای حقوق زنان مبارزه کنیم. از حق تعلیم و تربیه تا رعایت عدالت در حقوق زنان و نقش زنان در مسایل بزرگ ملی و سیاسی باید برجسته شود؛ چون زنان همان‌گونه که قربانی جنگ و ناامنی هستند، می‌توانند برای تامین صلح کمک کنند و موثر باشند.

نظر به زمانی که گذشته، کارهایی خوبی انجام شده ولی باز هم کارهای اساسی که ضرورت بود، انجام نشده است. یکی از دلیل‌های عدم موفقیت برنامه‌های حمایت از زنان در افغانستان پروژه‌های شدن کارها است که از اصل ماموریت شان منحرف شده بودند.

اما انجیوها و نهادهای مدنی می‌گویند ما این مکلفیت را نداریم که کارهای بنیادین و دوام‌دار را انجام دهیم؛ بلکه انجیوها پروژه‌های مقطعی و برنامه‌های نمادین را اجرا می‌کنند تا دولت برای استمرار و پایدار کردن این برنامه‌ها کار کند.

درست است، اما نظر به پروژه‌هایی که گرفته می‌شود باید صادق بود و آن‌هم در شرایط افغانستان که موفقیت پروژه‌های حمایت از زنان یکی از ضرورت‌های جامعه است. ما باید نتیجه‌ی پروژه‌ها را بررسی کنیم. میزان موفقیت نهادها و انجیوها از کیفیت تطبیق پروژه‌های شان فهمیده می‌شود که چه نتیجه دارد.

آیا انجیوها موفقانه عمل نکرده‌اند؟

از آوان تشکیل حکومت دموکراتیک و ریاست جمهوری حامد کرزی (رییس‌جمهور پیشین) شرایط افغانستان بهتر بود و امنیت نسبی در سراسر افغانستان وجود داشت. تا هشت سال وضعیت افغانستان رو به بهبود نهاده بود که باید کارهای بنیادین و مفید زیاد انجام می‌شد ولی حقوق زنان مثل هر برنامه‌ای زیربنایی دیگر در کشور شاهد انجام کارهای موثری نبوده است.

این یک امر مسلم است که زنان از یک زن بیش‌تر توقع دارد تا در عرصه حقوق زنان کار کند. هم‌چنین مشکلات ناشی از محدودیت‌هایی را که زنان در روستا حس می‌کند و چالش‌هایی که فراروی زنان در درون شهر ایجاد می‌شود،

یک زن بیش‌تر و بهتر درک می‌تواند. شما به عنوان کسی که اکنون وارد کارزارهای انتخابات پارلمانی شده‌اید، چه فکر می‌کنید، از پارلمان چه کارهای موثری را می‌شود برای زنان انجام داد؟

من و هر زن دیگری که وارد پارلمان می‌شویم، باید برای حقوق زنان مبارزه کنیم. از حق تعلیم و تربیه تا رعایت عدالت در حقوق زنان و نقش زنان در مسایل بزرگ ملی و سیاسی باید برجسته شود؛ چون زنان همان‌گونه که قربانی جنگ و ناامنی هستند، می‌توانند برای تامین امنیت و موفقیت صلح کمک کنند و موثر باشند.

زنان در مسایل امنیتی و تامین صلح چه نقشی را می‌توانند بازی کنند؟

زنان از لحاظ سیاسی، روابط اجتماعی و روابط خانواده‌گی می‌توانند بر این پروسه‌ها تاثیرگذار باشند. زنان از نقش تربیتی در خانواده تا درون جامعه همواره بر این مسایل مفید بوده می‌توانند. از همین رو لازم می‌دانیم در پارلمان کشور نیز روی قوانین و اسنادی کار شود که از زنان حمایت می‌کند. از تطبیق این قوانین باید نظارت شود تا زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از سطح آگاهی تا مالکیت اقتصادی و زمینه رشد و سرمایه‌گذاری برای شان کار شود، مورد حمایت قرار بگیرند و در این عرصه زنانی که وارد پارلمان می‌شوند بیش‌تر از همه مسوول هستند.

ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد **روی‌کرد نیمرخ**

انتخابات...

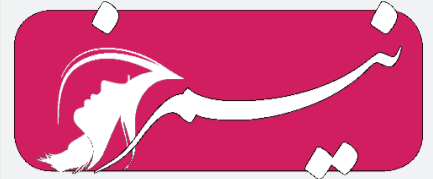
سطح مشارکت زنان در این روند کم‌تر از حد انتظار باقی ماند. پیامد این کم‌کاری حکومت و کمیسیون‌های انتخاباتی به کاهش درصدی زنان در روند ثبت‌نام رای‌دهنده‌گان انجامید. حالا که فصل رای‌گیری فرارسیده و زمان برگزینی انتخابات نزدیک می‌شود، زنان مکلف هستند برای تعیین سرنوشت سیاسی شان و افزایش نقش شان در پارلمان کشور باید آگاهانه تصمیم بگیرند و در انتخابات شرکت کنند. پارلمان، یکی از مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری و قدرت در ساختار دولت است که نماینده‌گان زن می‌توانند با استفاده از قدرت و وحدت سیاسی شان برای محو خشونت علیه زنان و برنامه‌های ملی ارتقای ظرفیت زنان تلاش ورزند.

جوامع مردسالار با فرهنگ سنتی و نظام که سهم و حق سیاسی زنان را با گزینش افراد سمبول‌گونه در ساختار حکومت خلاصه می‌کند؛ بدون شک که سد راه رشد و توان‌مندی زنان است. زنان، اما در افغانستان بیش از آن‌که با سدهای عدم‌پذیرش در اداره‌های دولت و سکتورهای خصوصی مواجه باشد با بدفرهنگی اجتماعی و آزارهای روانی جسمی مواجه‌اند. در چنین وضعیت اجتماعی، زنان بیش از همه باید به روندهای دموکراتیک و پروسه‌های بزرگ سیاسی اهمیت قایل شوند. از همین رو جهت افزایش نقش زنان در ساختارهای دولت و مشارکت سیاسی شان، انتخاب شدن و انتخاب کردن آگاهانه در انتخابات پارلمانی کنونی بحث مهم و سرنوشت‌ساز به شمار می‌رود.

در پروسه انتخابات پارلمانی این دوره از نقش پررنگ زنان، به ویژه دختران دانش‌آموخته در میان کاندیدان تا پیش‌برد امور کارزارهای انتخاباتی و کمپاین، درمی‌یابیم که جامعه به قدرت و توانایی زنان باور کرده‌اند و رای زنان در نتیجه انتخابات سرنوشت‌ساز است. با این وجود ضرورت می‌نماید تا زنان آگاهانه رای بدهند و کاندیدان نیز رای زنان را به بهای اندک نخرند و اعتماد نصف‌پیکر جامعه را در معامله‌های سیاسی نفروشنند، بلکه همان‌گونه که امروز تعهد می‌سپارند تا رای بیاورند، فردا نیز با استفاده از صلاحیت‌های قانونی و لابی‌گری سیاسی شان در درون حکومت و سطوح بین‌المللی برای تطبیق برنامه‌های بنیادین و موثر بر زنده‌گی زنان در راستای محو خشونت و ارتقای ظرفیت زنان در افغانستان تلاش ورزند.

حضور گسترده‌ی دختران در «چهارمین دور رقابت جهانی» ماراتون در بامیان

گزارش نیم‌رخ



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۵۷ • دوشنبه ۲۳ میزان ۱۳۹۷
 Monday • October 15, 2018
 Vol. 2 • No. 57



مدال‌ها به برنده‌گان مقام‌های برتر و سپردن نشان‌ها به شرکت‌کننده‌گان رقابت‌های جهانی ماراتون در بامیان، از حضور ورزش کاران در چهارمین سال رقابت‌های جهانی ماراتون (مسابقات بین‌المللی ماراتون) قدردانی کرد و این رقابت‌ها را گامی مهم و تاثیرگذار در تشویق جوانان به صلح و دوستی عنوان کرد.

رقابت‌های جهانی ماراتون در بامیان از چهار سال پیش بدین سو، همه ساله با حمایت مالی شرکت‌های آتین‌بورد، راه ابریشم، بامیان اسکی کلب، فیری تورن، ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان و شبکه مخابراتی اتصالات برگزار می‌شود.

هم‌چنین در حاشیه رقابت‌های امسال، تیم سرکس بامیان، با نمایش حرکت‌های آکروباژیک، هنر خویش را به نمایش گذاشتند.

گرفت. «اولارا» ورزش کاری از آرجانتاین به مقام دوم رسید و «نذیره» نیز از افغانستان مقام سوم این رقابت را از آن خود کرد.

در رقابت دوش ماراتون با فاصله‌ی ۴۲ کیلومتری، بخش خانم‌ها، «میا» و «آیتیا» هردو دهنده‌ی

چهارمین دوره‌ی رقابت‌های جهانی دوش و «اراتون» در ولایت بامیان با حضور گسترده‌ی دختران افغانستانی و خارجی برگزار شد.

این رقابت‌ها روز جمعه، ۲۰ میزان ۱۳۹۷، با حضور (حدود) ۵۰۰ ورزش کار، از کشورهای



عکس: عبدالله انوری

آن‌چه مایه امیدواری و پررنگ شدن این برنامه و سهیم شدن کشورهای مختلف در این رقابت‌ها شده است، فضای مناسب و امن و علاقه‌مندی مردم به ویژه زنان بامیان به ورزش است که در چهار سال اخیر رقابت‌های جهانی ماراتون با حضور گسترده‌ی زنان در بامیان برگزار می‌شود و شمار زیادی از دختران بامیان و دیگر ولایت‌های افغانستان با ورزش کاران خارجی به مصاف هم می‌روند.

ایتالیایی توانستند مدال‌های مقام نخست و دوم این رقابت‌ها را به دست بیاورند و خانم «بیگم» از افغانستان مقام سوم این رقابت را کسب کرد.

این رقابت‌ها با حضور مقام‌های محلی، نماینده‌گان فدراسیون‌های ورزشی و نهادهای هم‌کار و شمار زیادی از هواداران ماراتون برگزار شده بود.

محمد طاهر زهیر والی بامیان، حین توزیع

افغانستان، ایالات متحده آمریکا، سنگاپور، سوئیس، فرانسه، آسیانیا، اتریش، ناروی، ایتالیا، آرجانتاین، انگلیستان، ولز و چین، در دو بخش ۱۰ کیلومتر و ۴۲ کیلومتر بین دختران و پسران، به صورت جداگانه، در پارک ملی بند امیر برگزار شد.

در رقابت‌های فاصله‌ی ده کیلومتری بخش زنان، «مریم» یکی از ورزش کاران افغانستان مقام اول را

خواننده‌گان عزیز: نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشیان

سرمدبیر: ریحانه رها

گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی: Nimrokhweekly7@gmail.com

روزل شوي او سمبال افغان ملي پوليس د امنیت د ټينګښت، له خلکو څخه دفاع او دغه راز د هغو وسله والو مخالفينو پر وړاندې مبارزې ته چمتو دي، چې ټاکنې له ګواښ سره مخامخ کوي. دغه ژمن سرتيري، د خیر او شر ترمنځ توپیر په ډاګه او د حق او عدالت لپاره جګړه کوي. دوی د قانون د پلي کولو ملاتړ کوي او غواړي چې د خپلو ګرانو هېوادوالو لپاره یوه سوله ییزه راتلونکې برابره کړي.



افغان ملي پولیس د خلکو په خدمت کې!



پولیس ملی افغان هر خدمت مردم!

پولیس ملی آموزش دیده و مجهز افغان، آماده تامین امنیت، کمک به مردم و دفاع در مقابل مخالفان مسلح می باشند که انتخابات ما را تهدید می کنند. این افسران متعهد بین خیر و شر فرق قایل می شوند و بخاطر حق و عدالت مبارزه می کنند. آنها از تطبیق قانون حمایت می کنند تا یک آینده صلح آمیز را برای افغان ها به ارمغان بیاورند.